



انترناسیونال

۶۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۵ آبان ۱۳۸۳، ۵ نوامبر ۲۰۰۴

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

۱۶ آذر روز همه ماست

شهلا دانشفر

صفحه ۸

۱۶ آذر:

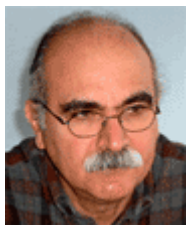
روز بزرگ آزادی و برابری

صفحه ۸

اطلاعیه در مورد مشاورین کمیته

مرکزی حزب

صفحه ۷



انجمنهای آزادی برابری را برپا کنید!

حمید تقوایی

نمیخواهند و دیگر نمیتوانند
وضعیت موجود را تحمل کنند.

صفحه ۲

فرودست و نیمه انسان بحساب
نیاید، تبعیض و نابرابری و فقر و
استثمار بر بیافتد و عده قلیلی
مفتخور نتوانند زندگی زیر خط
فقر را به اکثریت عظیم جامعه
تحمیل کنند. مردم ایران

جامعه ای میخواهند بدور از
سلطه مذهب و تعصب و اختناق
مذهبی و بدور از هر نوع تبعیض
و نابرابری. میخواهند اعدادم
نباشد، سنگسار و قصاص و
شکنجه نباشد، زن موجودی

انجمنهای آزادی برابری! این پاسخ
ما به چه باید کرد مردم در شرایط
حاضر است. مردم ایران آزادی و
برابری میخواهند. خواستار آزادی
اندیشه و بیان و قلم و تشکل و
تحزب و اعتصاب هستند.

ستون اول محسن ابراهیمی

دمکراسی در مقابل آزادی!

در حاشیه
انتخابات آمریکا

ظاهرا هر چهار سال یکبار مردم آمریکا
آزادانه سرنوشت سیاسی خود را تعیین
میکنند. حقیقتا مردم آمریکا هر چهار
سال یکبار برای مدت چهار سال از دخالت
در سرنوشت سیاسی خود محروم میشوند.
به طور ساده، معمولا ۳۰ درصد واجدین
شرایط پای صندوقها میروند و معمولا
رئیس جمهور آمریکا با حدودا نصف همین
۳۰ درصد یعنی ۱۵ درصد واجدین شرایط
برای رای دادن انتخاب میشود. این حقیقت
ساده آماری به نحوی گویا نشان میدهد که
"حکومت مردم بر مردم از طریق مردم" یک
دروغ سیاسی بزرگ است. اما این هنوز
تصویر کاملی از آن اتفاقی که زیر نام
انتخابات آزاد می افتد ارائه نمیدهد.

در انتخابات آمریکا، مثل سایر
دمکراسیهای کشورهای سرمایه داری،
احزاب متعلق به یک طبقه، طبقه حاکم
سرمایه دار باهم رقابت میکنند. این یک
رقابت درون طبقه ای برای بدست گرفتن
سازماندهی اقتصاد سرمایه داری اگر چه با
روشهای مختلف است. خود این تفاوت در
روشها هم البته مدتهاست دیگر واقعیت
ندارد. تا دهه هشتاد، احزاب طبقه حاکم در
روش سازماندهی اقتصاد سرمایه داری

صفحه ۵

برنامه های حزب بمناسبت سالروز انقلاب اکتبر

صفحه ۷

کارگران نساجی سندنجد به تحصن خود پایان دادند

صفحه ۸



وان گوگ توسط اسلامیها ترور شد!

تروریسم اسلامی بار دیگر جنایت آفرید!

اطلاعیه تشکیلات حزب در هلند

صفحه ۵

اسلام سیاسی در هلند قربانی میگردد!

جلیل بهروزی

صفحه ۵



آذر ماجدی در کنفرانس "اسلام علیه اسلام" در پاریس

مصاحبه با آذر ماجدی

شرکت کنید. چگونه و به چه
دلایلی شما به این کنفرانس
دعوت شده بودید؟
آذر ماجدی: فعالیت های ما
علیه اسلام سیاسی و در دفاع از
سکولاریسم، حقوق زن،

صفحه ۶

انترناسیونال: هفته گذشته
سازمان آنجا، اینجا ولی باهم،
کنفرانسی در پاریس برگزار کرد.
تم این کنفرانس، "اسلام علیه
اسلام" بود. از شما به عنوان
رئیس سازمان آزادی زن دعوت
شده بود به عنوان یکی از
سخنرانان اصلی در این کنفرانس

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ انجمن های آزادی برابری را برپا کنید

جنبش وسیع اعتراضی کارگران و دانشجویان و زنان و معلمان و پرستاران و سایر بخشهای معترض جامعه و شورشیهای عمومی که متناوباً در شهرهای مختلف در میگیرد همه و همه نشانگر این وضعیت پایه ایست که اکثریت قریب به اتفاق مردم نه تنها خواهان تغییر وضعیت موجود هستند بلکه برای تغییر این وضعیت دست بکار شده اند. قدم بمیدان گذاشته اند و اعتراض میکنند.

حزب ما این جنبش عظیم را از همان آغاز حرکتش، زمانی که هنوز تلاش میکرد به پنهان و با محمل دو خرداد، و بعضاً با توهم به آن، امر خود را به پیش ببرد، بعنوان جنبش سرنگونی طلبانه مردم باز شناخت و پرچم آنرا بدوش گرفت. در برابر نقاط ضعف و توهماتش ایستاد و راه پیشروی را به آن نشان داد. امروز ایجاد انجمنهای آزادی برابری گام دیگری است که حزب ما برای تقویت و متشکل و متحد کردن جنبش اعتراضی مردم در عرصه های مختلف مبارزه بجلو بر میدارد.

طرح انجمنهای آزادی و برابری محل تلاقی دو بحث و دو سیاست پایه ای است که از قبل در دستور کار حزب قرار داشت: مولفه اول بیانیه آزادیهای سیاسی و قطعنامه نقش مردم در تعیین حکومت است که در سال گذشته تصویب شد. این اسناد امروز نه تنها هنوز موضوعیت خود را از دست نداده است بلکه اهمیت و مبرمیت بیشتری پیدا کرده است. پایه دوم طرح انجمنهای آزادی و برابری، تزه های حزب و جامعه و تعیین بخشی به چه در ایران است که قطعنامه اش در پلنوم بیستم تصویب شد و نقطه عطفی در فعالیت ما در داخل کشور محسوب میشود. طرح انجمنهای آزادی و برابری نتیجه منطقی و مشخصی از این دو مبحث است.

انجمنهای آزادی برابری و مبحث حزب و جامعه

یک مولفه بحث حزب و جامعه این بود که فعالین و رهبران عملی در جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی مردم باید انواع تشکلهای را حول مطالبات مختلف بوجود

تشکیل بدهند و یا تشکلهای مختلف دانشجویی و غیره. انجمنهای آزادی برابری از این اشکال تشکیلاتی فراتر میروند و تنها مختص به دانشجویان و یا بخشهای معین دیگری از جامعه نیست و از نظر مضمون مبارزه و پرچمی هم که بلند میکند و کمپین و مبارزه ای که به پیش میرود مختص مطالبات قشر و طبقه خاصی نیست. خواست ویژه زنان و جوانان و کودکان و کارگران و غیره را مطرح نمیکند بلکه تشکلهای است که پلاتفرمش اساساً آزادیهای سیاسی است که امر همه مردم و همه جامعه است. ما رئیس این آزادیها را در بیانیه ای در کنار قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت اعلام کرده ایم.

به این ترتیب دو نکته انجمنهای آزادی و برابری را از اشکال تشکیلاتی که تا کنون در بحث حزب جامعه طرح میکردیم متمایز میکند.

نکته اول اینست که این انجمنها مختص یک عرصه معین از مبارزه نیستند، تشکلهائی هستند که همه جا و در همه عرصه ها میتوانند تشکیل بشوند و مطالبات عمومی را مطرح میکنند که خواست همه مردم جامعه است. مطالباتی نظیر آزادی بیقید و شرط تشکل و بیان و یا لغو مجازات اعدام، برابری کامل زن و مرد، لغو حجاب اجباری، جدائی مذهب از دولت و غیره. اینها خواستهای اکثریت قریب باتفاق مردم جامعه است و در برآمدهائی نظیر ۱۸ تیرها و ۱۶ آذرها ما شاهد آتیم که این خواستها در اعتراضات مردم مطرح میشود. ما رئیس این خواستها را در بیانیه آزادیهای سیاسی مطرح کرده ایم و همین بیانیه پلاتفرم عملی این انجمنها خواهد بود. (این مولفه دوم طرح انجمنهاست که پائین تر بیشتر مورد بحث قرار خواهیم داد).

نکته دیگر ترکیب و عرصه تشکیل این انجمنهاست. این انجمنها اساساً محلی و منطقه ای تشکیل میشوند و در آنها کارگر، دانشجو، زنان و از هر قشری از مردم میتوانند شرکت داشته باشند. ممکن است انجمن آزادی برابری در کارخانه و دانشگاه و محیطهای کار هم تشکیل بشود ولی در هر صورت خصلت و پلاتفرمش به نحوی است که یک نوع تشکل شهروندان و مردم علی العموم است. واضح است که

انجمن بالاخره در یک منطقه معین، در یک محله و یا کارخانه و اداره و دانشگاه معین تشکیل میشود ولی به یک جنبش سراسری و عمومی و فرامحله ای و فرامنطقه ای متعلق است و خواستهائی مثل آزادی زندانیان سیاسی و لغو آپارتاید جنسی و لغو مجازات اعدام و غیره را دنبال میکند که خواست عموم مردم است. اینجاست که برنامه عمل این انجمنها و نقش بیانیه آزادیهای سیاسی و قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت که حزب در سال قبل تصویب و اعلام کرد برجسته میشود.

انجمنهای آزادی برابری و بیانیه آزادیهای سیاسی

همانطور که اشاره شد بیانیه آزادیهای سیاسی پایه دیگر طرح انجمنهای آزادی برابری است.

این بیانیه که در ۲۵ آذر ۱۳۸۱ (۱۶ دسامبر ۲۰۰۲) تصویب شد مفاد زیر را اعلام میکند.

۱- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی. ۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب. ۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. ۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت. ۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. ۶- لغو مجازات اعدام. ۷- دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکلهای به رسانه های جمعی دولتی.

هر انجمن همه و یا بخشی از این خواستها را در دستور خود قرار میدهد و برای تحقق آن فعالیت میکند.

بیانیه آزادیهای سیاسی جزء مکمل قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت است. این قطعنامه اعلام میکند که باید نشست نمایندگان شوراهای مردم نوع حکومت را تعیین کند و هر نوع دولت و حزب و نیروئی که ادعای دفاع از مردم و احترام به حق مردم را دارد باید بر مبنای پلاتفرم آزادیهای سیاسی ارزیابی و قضاوت شود. هر نیروی سیاسی که تحت هر عنوانی، آزادی

و دموکراسی و مردمسالاری و غیره از حقوق مردم صحبت میکند باید بیانیه آزادیهای سیاسی را بپذیرد و به آن پایبند باشد. با تشکیل انجمنها این نقطه عزیمت و سیاست در برخورد به نیروهای سیاسی شکل مشخص تر و عملی تری بخود میگیرد. در واقع انجمنها تشکلهای توده ای هستند که این بیانیه آزادیهای سیاسی را نه تنها در مقابل حکومت بلکه در برابر هر نیروی سیاسی اپوزیسیون میگذارند که مدعی دموکراسی و آزادیخواهی و مردم دوستی و مردمسالاری است. انجمنها تشکلهائی هستند که در مقابل حکومت و کل نیروهای

سیاسی پرچم مطالبات معینی را بلند میکنند و خواهان تحقق فوری و بیقید و شرط آنها میشوند. در عین اینکه همین امروز کمپین معینی را مثلاً برای آزادی زندانیان سیاسی و یا لغو آپارتاید جنسی و یا جدائی مذهب از دولت به پیش میبرند، در عین حال این خواستها را بعنوان شاخصی برای محک زدن نیروهائی که خارج حکومت ادعای دموکراسی و آزادیخواهی دارند در دست میگیرند و بکار میبندند. به این معنا انجمنها در ادامه قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت و بیانیه آزادیهای سیاسی حزب مطرح میشود و به این سیاست حزب ما یک شکل معین تشکیلاتی میدهد.

شیوه فعالیت و سبک کار و ابعاد تشکیلاتی انجمنها

فعالیت انجمنها از همان نوعی است که در بحث حزب و جامعه در ایران تحت عنوان کمپینها مطرح کرده ایم. (لطفا رجوع کنید به سری مقالات "حزب و جامعه در ایران" در انترناسیونال شماره های ۸ و ۹ و ۱۰، از ۲۶ اسفند تا ۱۳۸۲ تا ۴ فروردین ۱۳۸۳)

فعالیت این انجمنها علنی است. انجمنها با صدور بیانیه و طومار و قطعنامه، ساختن ساینها و ویلاک ها، کمک خواهی و حمایت طلبی از نهادهای بین المللی مترقی و انساندوست، و اقداماتی از این نوع کمپین و مبارزه معینی را که موضوع کار خود قرار داده اند به پیش میبرند. بعنوان نمونه انجمنی که آزادی زندانیان سیاسی را امر



خود قرار داده می‌تواند لیستی از زندانیان سیاسی که در مقاطع مشخصی، مثلاً در ۱۸ تیر و یا ۱۶ آذر و یا یک اعتصاب و اعتراض مشخص کارگران در یک کارخانه معین دستگیر شده اند را به همراه معرفی کوتاهی از آنها و دلایل دستگیری و نحوه محاکمه شان تهیه و اعلام کند، روی سایتها بگذارد برای مراجع بین‌المللی بفرستد و خواستار آزادی آنان شود. خواست آزادی زندانیان سیاسی یک خواست کلی و انتزاعی است که باید به آن یک شکل مشخص کنکرت داد. انجمنها می‌توانند مساله آزادی زندانیان سیاسی را با طرح اسم و رسم معین زندانیان و با فعالیت به شیوه‌هایی که گفته شد پیگیری کنند و به پیش ببرند. اخیراً در ای میلهایی که دریافت می‌کنم اطلاعیه ای بود با امضای اتحادیه دانشجویان مبارز مشهد که در آن آزادی چهار نفر از دانشجویان دانشگاه مشهد را که اخیراً تحت تعقیب قرار گرفته بودند و بازداشت شده بودند را خواستار شده بود. مسلماً حزب ما باید این امر را دنبال کند اما این مبارزه وقتی بهتر و موثر تر به پیش می‌رود که ده ها انجمن آزادی برابری در ایران وجود داشته باشند که به حمایت از این دانشجویان برخیزند، اسامیشان را مطرح و اعلام کنند، طومار و امضا جمع کنند و آزادی آنها را بخواهند. این تنها یک نمونه است. هر روزه ده ها مورد پیش می‌آید که میتوان به همین ترتیب حول آنها فعالیتهای همه جانبه‌ای را سازمان داد. وقتی روزنامه‌ای بسته میشود، زنی به سنگسار محکوم میشود، تعرض تازه‌ای به زنان "بد حجاب" در خیابانها شروع میشود، حکم اعدامی صادر میشود و غیره انجمنها باید بر این مسائل متمرکز شوند و آنها را موضوع کارشان قرار بدهند. البته ممکن است یک انجمن همه این فعالیتها را انجام ندهد ولی در مجموع کل این نوع فعالیتها بوسیله انجمنهای مختلف پوشانده میشود.

نکته دیگر رابطه این انجمنها با یک دیگر است. ما در بحث حزب و جامعه در ایران نوعی رابطه و همبستگی افقی بین نهادها و جنبشهای مختلف را مطرح کردیم و

گفتیم که با اعلام حمایت کارگران و دانشجویان و معلمان و پرستاران جنبشهای اعتراضی مختلف در جامعه از مبارزات و خواستهای یکدیگر این مبارزات همبسته و متحد میشوند. در مورد انجمنها این نزدیکی و همبستگی تا حد زیادی با نفس اعلام انجمن آزادی و برابری انجام شده است. انجمنهای آزادی برابری بخاطر امر و برنامه واحدی که دارند و بخاطر اعلام هویت بعنوان انجمن آزادی برابری فلان محله و یا دانشکده و یا کارخانه و غیره به یک جنبش متعلق اند و بنا به تعریف مبارزه متحد و همبسته‌ای را به پیش می‌برند. گر چه هر انجمن معینی ممکن است کمپین متفاوتی را به پیش برد اما نفس اینکه همه آنها خود را انجمن آزادی برابری مینامند آنها را در متن یک حرکت جنبش اعتراضی واحد قرار میدهد. چتری که این انجمنها را می‌پوشاند نام و امر عمومی آزادی و برابری است و هر کمپینی که انجمنها به پیش برند از لغو آپارتاید جنسی تا آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام و غیره در هر حال برای آزادی و برابری مبارزه میکنند. در واقع بیانیه آزادیهای سیاسی می‌تواند مبنای یک سازمان چتری باشد و امروز فراخوان ما به فعالین جنبشهای اعتراضی بخشهای مختلف جامعه اینست که شاخه‌های مختلف این سازمان چتری را تحت نام انجمنهای آزادی برابری ایجاد کنند.

از نظر تشکیلاتی این انجمنها بوسیله فعالین و پیشروان جنبشهای اعتراضی تاسیس میشوند و همه افرادی که برنامه و اهداف انجمنها را قبول دارند میتوانند به آنها بپیوندند. انظر تعداد حدی وجود ندارد و از سه نفر تا صدها نفر میتوانند عضو یک انجمن باشند. همه اعضا لزوماً به یک درجه فعالیت نمیکنند و حتی ملزم به انجام کارهای معینی نیستند. بلکه افرادی هستند که امر و هدف انجمن آزادی برابری را قبول دارند و به فراخوانهای آن عمل میکنند. طبعاً در انجمنها هم مثل هر تشکل دیگری پیشروان و فعالینی هستند که آستین بالا میزنند و جلو می‌افتند و کارها را سازمان میدهند. اما تعداد اعضا و گستردگی تشکیلاتی انجمن خود را در حرکتهای اعتراضی و قدرت

بسیجش در اعتراضات و تظاهرات نشان میدهد.

علییت انجمنها

انجمنها تشکلهای علنی هستند. اما در این مورد باید دو نکته را روشن کرد. نکته اول در رابطه با علنییت، همانطور که در مبحث حزب و جامعه در ایران توضیح دادیم، اینست که فعالیت علنی لزوماً به معنای بخطر افتادن فعالین نیست بلکه برعکس اگر درست و اصولی به پیش برده شود میتواند ضامن امنیت و ادامه کاری مبارزه باشد. برای رژیم در توازن قوای فعلی و با توجه به حرکت و جوش اعتراضی که مداوماً در جامعه در جریانست تعقیب و پیگیری فعالین علنی و شاخته شده امر سهل و ساده‌ای نیست. دقیقاً سرشناس بودن این فعالین باعث میشود دستگیری آنها با عکس العمل جامعه و همزمانشان روبرو شود و رژیم را بیمناک و محتاط کند. اما چنین بیم و هراسی در مورد مبارزین و فعالین ناشناخته و پنهانکار وجود ندارد. پلیس میتواند براحتی آنها را تعقیب و دستگیر کند و آب هم از آب تکان نخورد. این نظر با تجربه بازداشت فعالین کارگری در اول ماه مه سقر و سپس کمپینهای موفقی که برای آزادی آنها شکل گرفت صحت خود را نشان داد. چنانچه دستگیر شدن سقر شاخته شده نبودند چه بسا سرنوشت آنها نیز مانند صدها و هزاران فعال ناشناس جنبشهای اعتراضی مختلف میبود که امروز در زندانها به سر می‌برند. در مبارزات توده‌ای و اجتماعی علنییت ضامن امنیت است. در مورد انجمنهای آزادی برابری بویژه نفس وجود این تشکلهای و هویت و فعالیت علنی آنها پوشش قابل اتکائی برای فعالین آنها بوجود می‌آورد. یک جزء همیشگی فعالیت انجمنها دفاع از اعضا و فعالین خود و انجمنهای دیگر در برابر رژیم خواهد بود و دستگیری هر عضو آنها کمپینهای وسیعی را در دستور کار انجمنها قرار خواهد داد. انجمنها علنی فعالیت میکنند و به همین دلیل بقا و ادامه کاری خود را میتوانند حفظ کنند.

نکته دوم اینکه علنییت انجمنها لزوماً بمعنای علنی بودن اسم و رسم

همه اعضا و فعالین انجمن نیست. انجمنها هویت و فعالیت علنی دارند و تنها برخی از فعالین آن ممکن است سرشناس باشند. باید توجه داشت که پنهانکاری و علنییت یک دو قطبی سیاه و سفید نیست. بویژه امروز با توجه به امکانات مدیا و رسانه‌های گروهی و بویژه اینترنت و ای میل و طومار و امضا اینترنتی جمع کردن و سازمان‌دادن سایت و سمینار و سخنرانی اینترنتی تلفیق مخفی کاری و علنی کاری مفاهیم تازه‌ای پیدا میکند. این تصور که یا شخصی علنی است به این معنا که اسم و عکس و آدرسش برای پلیس سیاسی معلوم است و یا کاملاً زیر زمینی است و شبنامه پخش میکند اگر بیست سال قبل موضوعیتی داشت، امروز دیگر در هیچ سطحی از اعتراض و مبارزه صادق نیست. در مورد انجمنها علنییت یعنی اینکه انجمن بطور علنی اعلام موجودیت کرده است، کمپین‌هایش علنی است، با اسم و رسم بیانیه‌ها و طومارهایش را امضا میکند اما اینکه این اسم و رسمها و امضاها واقعی است و یا خیر دیگر بستگی به توازن قوا و شرایط مشخص و نوع فعالیت دارد که هر انجمن به پیش می‌برد. باین ترتیب یک طیفی از شیوه‌های مختلف کار علنی و مخفی و تلفیق آنها وجود دارد که انجمنها بر آن اساس میتوانند فعالیت کنند. فعالین میتوانند هر جا ممکن و لازمست مخفی بمانند بی آنکه از دامنه فعالیت و کمپینشان کاسته شود و هر جا ممکن است با اسم و رسم بیدان بیانیه بی آنکه از نظر امنیتی بخطر بیافتند.

رابطه حزب و انجمنهای آزادی برابری

روشن است که ایده تشکیل انجمنها را حزب ما مطرح میکند و در رادیو و تلویزیون و رسانه‌هایش نیز آنرا طرح و تبلیغ میکند. این توصیه و رهنمود مشخص ماست به همه فعالینی که از داخل کشور هر روز از ما می‌پرسند چه باید کرد. ما تا امروز در برابر این سوال پاسخ عمومی بر اساس بحث و حزب و جامعه داشتیم و برپا کردن انواع تشکلهای و کمپینها را توصیه میکردیم. البته هنوز هم در یک سطح پایه‌ای در مورد شیوه‌های

فعالیت و مبارزه باید این بحث را دنبال کرد و نتایج عملی مختلفی از آن گرفت و بکار بست. امروز بر مبنای بحث حزب جامعه ما انجمن آزادی برابری را طرح میکنیم. اگر مردم به هر بهانه‌ای از جمله کاریکاتوری مثل هخا از اپوزیسیون راست به خیابان می‌آیند و شعار سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض را مطرح میکنند آنوقت روش است که صاحب این شعار یعنی حزب کمونیست کارگری باید جواب و طرح مشخصی در پاسخ به چه باید کرد مردم داشته باشد. این پاسخ باید عملی و قابل اجرا و در عین حال چپ و رادیکال باشد و انجمن آزادی برابری چنین رهنمودی است. ما به مردم می‌گوییم همین امروز انجمنهای آزادی و برابری را برپا کنید. این کاملاً عملی و ممکن است. این کار کاملاً ممکن است اگر از یکسو تمام ترها و نظرات و منطق و رهنمودهای بحث حزب و جامعه را بکار ببندیم و از سوی دیگر بر نیرو و قدرت سیاسی قطعنامه حق مردم در تعیین حکومت و بیانیه آزادیهای سیاسی متکی شویم.

بنابراین مکان طرح انجمنهای آزادی برابری برای ما این نیست که صرفاً یک پلاکارد و نسخه دیگری برای متشکل کردن مردم ارائه میکنیم. این یک برنامه عمل کاملاً قابل اتخاذ برای تقویت و به پیش راندن و متحد و همبسته کردن جنبش انقلابی مردم در عرصه‌های مختلف است و میتواند نقطه عطفی در سیر تحول این جنبش باشد. برای حزب این یک طرح تشکیلاتی در میان ده‌ها طرح دیگر نیست بلکه یک فراخوان معین است.

از سوی دیگر این تشکلهای باید علنی فعالیت کنند. و ممکن است این سوال پیش بیاید که در شرایط حاضر تا چه حد امکان دارد که فراخوان یک حزب رادیکال و سرنوشتی طلب مثل حزب ما از جانب فعالین اتخاذ شود بی آنکه امنیت آنها به خطر بیافتد. پاسخ من به این ملاحظه اینست که انجمنها از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی رابطه‌ای با حزب ما ندارند. انجمنها حول بیانیه آزادیهای سیاسی تشکیل میشوند که هیچ خواست ویژه کمونیستی در آن نیست. و هر نیروی آزادیخواه و



قطعه‌نامه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران درباره

تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران

شیرازه جامعه از هم گسیخته شود.

با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری ایران به منظور تامین شرایط لازم برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی اقدامات زیر را در دستور قرار می‌دهد:

الف- اعلام منشور آزادیهای سیاسی که تامین آن به مردم امکان میدهد آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند. مفاد این بیانیه خواست و انتظار بدیهی توده‌های مردم است، و تعهد هر حزب و دولتی به آن معیار پایبندی به خواست و اراده مردم محسوب میشود. حزب کمونیست کارگری تلاش میکند تا کلیه نیروهای سیاسی را به تعهد به مفاد این بیانیه جلب کند.

ب- اعلام نشست نمایندگان شوراهای مردم بعنوان ذیصلاح ترین مرجع برای تعیین نظام حکومتی آتی. شوراها توده‌ای ترین شیوه متشکل ماندن مردم و اعمال اراده آنان است. شوراها همچنین دمکراتیک ترین ظرف تشکیلاتی برای فعالیت همه احزاب و نیروهای سیاسی است. هیچ قید و شرطی برای فعالیت احزاب و اتحاد مردم در شوراها و انتخاب شدن بعنوان نماینده وجود ندارد.

۲۵ آذر ۱۳۸۱

۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

منشور آزادیهای سیاسی

مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۶- لغو مجازات اعدام.

۷- دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکلهای به رسانه‌های جمعی دولتی.

۵ آذر ۱۳۸۱ - ۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

۱- جمهوری اسلامی در حال سقوط است و مسأله تعیین نظام حکومتی بعدی در برابر جامعه قرار گرفته است.

۲- آلترناتیو حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی تضمین کننده دخالت آزاد، آگاه و مستقیم مردم در حکومت و تامین کننده وسیع ترین آزادیها و رفاه و برابری در جامعه خواهد بود.

۳- حزب کمونیست کارگری ایران، همانطور که در قطعه‌نامه‌های کنگره سوم اعلام کرده است، انقلاب توده‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی را عملی ترین و کوتاه ترین راه رسیدن مردم به حکومت منتخب شان میداند.

۴- اپوزیسیون راست، برای جایگزینی جمهوری اسلامی شیوه‌هایی نظیر رفاندن و مجلس موسسان را تبلیغ میکند. در این شیوه‌ها، دخالت و اعمال اراده مردم محدود و یا کلا نفی میشود. هدف این نیروها آنست که از دخالت آزاد و آگاه مردم در تعیین حکومت آتی جلوگیری کنند و به آلترناتیوهای حکومتی خود ظاهر و پوشش دمکراتیک بدهند. راه واقعی بقدرت رسیدن این نیروها کودتا و یا بندوبست از بالاست. در چنین شرایطی نه تنها آزادیهای سیاسی و دخالت مردم در تعیین حکومت نفی میشود بلکه این احتمال وجود دارد که

به منظور تامین شرایطی که فعالیت آزاد و امن سیاسی در جامعه ممکن شود و مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه حکومت مطلوب خود را تعیین کنند جمهوری اسلامی باید سرنگون شده و مفاد این منشور متحقق گردد:

۱- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق

بسوی تشکیل شوراهای در دستور خود قرار داد. طرح انجمنهای آزادی برابری آلترناتیو شوراهای و مجامع عمومی نیست. این دو طرح ناقض یکدیگر نیستند بلکه مکمل همدیگرند. ما باید تشکیل شوراهای را در کارخانه‌ها و محیطهای کار و دانشگاهها در دستور قرار بدهیم. بخصوص در جنبش دانشجویی برپا کردن مجامع عمومی منظم و تشکیل شوراهای يك هدف ممکن و قابل حصول است و هم اکنون سازمان جوانان کمونیست این امر را وظیفه اصلی خودش قرار داده است. در هر حال ما باید مجامع عمومی و شوراهای را هر جا ممکن است تشکیل بدهیم. این آلترناتیو انجمنهای آزادی برابری نیست. این انجمنها اساسا خصلت محلی و منطقه‌ای دارند در حالیکه مجمع عمومی در محلات در شرایط حاضر نمیتواند در دستور کار فوری ما باشد. اما جدا از امکان یا عدم امکان تشکیل هر يك از این نوع تشکلهای، از لحاظ مضمون کار نیز انجمنها با شورا و مجمع عمومی متفاوتند. انجمنها حول يك پلتفرم کمپین معین تشکیل میشوند و کسانی را در بر میگیرند که با برنامه و اهداف آن موافق باشند در حالیکه شوراهای حول مسأله خاصی تشکل میشوند و همه افراد عرصه خود در محل کار و یا محل سکونت را در بر میگیرند. بنا براین این کاملاً قابل تصورست که در محیطی شورا و انجمن آزادی برابری هر دو تشکیل بشوند و فعالیت کنند. اینها جای یکدیگر را بر نمیکنند، و رقیب و ناقض یکدیگر نیستند. ما در عین اینکه مبارزه مان برای تشکیل شوراهای را به پیش میبریم طرح انجمنهای آزادی برابری برای شکل دادن به جنبش عمومی اعتراضی مردم را هم در دستور میگذاریم و به پیش میبریم. این احتمال وجود دارد که بعضی از انجمنها در ادامه فعالیتهاشان به شوراهای محلی نزدیک بشوند و به شکل هیات موسس شورای يك محله و یا محیط کار عمل کنند اما این يك خصلت و ویژگی انجمنها نیست و در تئوری و سیاست و اهداف ما در ایجاد انجمنها نقشی ندارد.

همه فعالین و دست اندر کاران جنبشهای اعتراضی را به تشکیل انجمنها آزادی برابری فرا میخوانیم. *

نزدیک بشوند و به شکل هیات موسس شورای يك محله و یا محیط کار عمل کنند اما این يك خصلت و ویژگی انجمنها نیست و در تئوری و سیاست و اهداف ما در ایجاد انجمنها نقشی ندارد.

همه فعالین و دست اندر کاران جنبشهای اعتراضی را به تشکیل انجمنها آزادی برابری فرا میخوانیم. *

نزدیک بشوند و به شکل هیات موسس شورای يك محله و یا محیط کار عمل کنند اما این يك خصلت و ویژگی انجمنها نیست و در تئوری و سیاست و اهداف ما در ایجاد انجمنها نقشی ندارد.

انساندوستی هم که خود را کمونیست نداند با تمام مفاد آن توافق کامل دارد. در این بیانیه و حتی در قطعه‌نامه حق مردم در تعیین حکومت از سوسیالیسم و حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی حرفی بمیان نیامده است. بلکه اینها اسنادی هستند که آزادیهای پایه‌ای سیاسی و دخالت مردم در تعیین سر نوشت سیاسی شان را تضمین میکنند و به همین اعتبار از حقانیت و اقبال عمومی در سطح کل جامعه برخوردار هستند. درست است که ما کمونیستها این طرح را ارائه میکنیم ولی هر نیروی سیاسی که خود را طرفدار "دموکراسی و مردمسالاری" میدانند نیز میتوانند کاملاً با آن موافق باشند. به این معنا مشروعیت و حقانیت در خود انجمنها برای هر فعال آنها قابل دفاع است. خواستها و مطالباتی که مطرح میکنند مثل آزادی زندانی سیاسی، آزادیهای بی قید و شرط بیان و قلم و تشکل، لغو آپارتاید جنسی و حتی جدائی مذهب از دولت امروز دیگر شعارهای يك حزب و جنبش زیر زمینی نیست، بلکه موضوع يك کشمکش علنی میان رژیم و مردم است که برخی از آنها حتی در برخورد میان مقامات حکومتی و جناحهای رژیم نیز مطرح میشود. انجمنها بر این بستر عمومی میتوانند علنی فعالیت کنند بی آنکه عملاً و بطور واقعی هیچ ارتباط سیاسی و تشکیلاتی با حزب ما داشته باشند و مهمتر از آن کاملاً حق بجانب و قابل قبول به افکار عمومی و رژیم نشان بدهند که چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

بنابراین حقانیت و عمومیت پلتفرمی که انجمنها به پیش میبرند به آنها امکان علنی کاری را میدهد. و خود این علنیت تضمینی میشود برای ادامه کاری آنها و امنیت فعالین آنها.

انجمنهای آزادی برابری و شوراهای

سؤال دیگری که ممکن است پیش بیاید و من به استقبالش میروم مسأله رابطه انجمنها با مجامع عمومی و شوراهاست. حزب ما اخیراً قطعه‌نامه‌ای برای شکل دان به جنبش شورائی و تشکیل مجامع عمومی را تصویب کرد و شعار پیش

زنده باد شورا!
پیش بسوی تشکیل شوراهای!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنایتی دیگر:

اسلام سیاسی در هلند قربانی میگیرد!



جلیل بهروزی

به نقل از خبرگزاریهای هلند، تنو وان گوگ، نویسنده و کارگردان هلندی، امروز، دوم نوامبر در آمستردام توسط فردی مسلمان به ضرب چاقو و سپس گلوله به قتل رسید. تروریست یادداشتی به عربی بر سینه

وان گوگ به جا گذاشت که در آن نوشته شده بود "این حکم خدا و در دفاع از اسلام در برابر کافران است". پیش از این وان گوگ چندین بار بخاطر انتقادات اش به اسلام تهدید به قتل شده بود. آخرین اثر به

کارگردانی وان گوگ فیلم "تسلیم" ساخته آیان هرسی علی، سکولار و نماینده مجلس هلند بود. آیان هرسی علی همان چهره سرشناسی است که مبارزه او علیه اسلام در گسترش خشونت علیه زن و انسان در "جامعه اسلامی" از او چهره سرشناسی ساخته است. هم اوست که محمد را بخاطر ازدواج با عایشه، دختر خردسال، هرزه pervert خواند. فیلم "تسلیم" هرسی علی، نمایی از ظلم و ستمی است که به زن در چهارچوب فرهنگ زن آزار اسلامی میرود. این فیلم همزمان که با استقبال وسیع مردم مترقی و آزادی خواه مواجه شد، مورد تنفر جریانات اسلامی نیز واقع گشت بنحوی که

حکم قتل آیان هرسی را نیز بیش از یک سال است داده اند و او عملاً زیر نظر و کنترل ۲۴ ساعته پلیس میباشد.

قتل تنو وان گوگ، کارگردان هلندی، اولین جنایت جریانات اسلامی در این کشور نیست. حضور و تحركات گروههای مرتجع اسلامی در هلند آنچنان ابعادی به خود گرفته که از یکطرف گتوهای اسلامی، که خود دولت هلند و احزاب دست راستی در شکل دادن آنها سهیم اند، زندگی را بر بخشی از مهاجرین شمال آفریقا و خاورمیانه ای در این کشور سیاه کرده است و از طرف دیگر این پدیده توسط احزاب دست راستی با مسئله مهاجرین و پناهندگان آن

چنان بهم گره داده شده است، که خود تبدیل به يك بهانه جهت زدن حق پناهندگی و تهاجم به حقوق مهاجرین گشته است.

این وظیفه همه نیروهای سکولار، آزادیخواه و طرفدار حقوق مهاجرین است که در عین محکوم کردن هرگونه اعمال ضد بشری چون قتل تنو وان گوگ، در عین مبارزه گسترده علیه تحركات اسلام سیاسی، دفاع از ترقی خواهی و حق مهاجرین را همچون يك جبهه واحدی دیده و برای آن فعالانه مبارزه نمایند. پیشبرد چنین مبارزه متحد و رادیکال خود همه آن تشبثات احزاب دست راستی بر علیه مهاجرین را نیز خنثی خواهد کرد. *

تروریسم اسلامی بار دیگر جنایت آفرید!

قتل بیرحمانه فیلساز و ژورنالیست هلندی در راه خدا و اسلام

امروز ۲ نوامبر در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه صبح THEO VAN GOGH فیلمساز و ژورنالیست مشهور و آزادیخواه هلند، ۴۷ ساله، بدست يك تروریست اسلامی در یکی از خیابانهای شهر آمستردام به قتل رسید. قاتل ابتدا چند گلوله به طرف وان گوگ شلیک کرد و سپس با ضربات چاقو او را به قتل رسانید و با بر جای گذاشتن متنی به زبان عربی با این محتوا که "این حکم خدا و

دفاع از اسلام در برابر کافران است" از صحنه فرار کرد اما توسط پلیس هلند دستگیر شد. وان گوگ با ساختن چند فیلم از جمله SUBMISSION که ستمکشی و وضعیت اسفبار زن را در جوامع اسلامی به نقد می کشید، مورد نفرت اسلامی ها و تبلیغات مسموم ملاهای مسلمان قرار گرفت. وی همچنین نویسنده و ژورنالیستی منتقد بود و برای بسیاری از روزنامه

مردم در سراسر جهان برانگیخته است. تنها چندساعت پس از این جنایت بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم آزاده هلند در میدان مرکزی شهر آمستردام تجمع کردند و با اعلام سکوت و ادای احترام به وان گوگ خشم و انزجار خود را علیه این جنایت به نمایش گذاشتند.

حزب کمونیست کارگری این عمل جنایتکارانه را شدیداً محکوم میکند و خود را در خشم و نفرت مردم هلند عمیقاً شریک میدانند. کشتار مخالفین سیاسی و عقیدتی به منظور ارباب دیگران ابزار مهم جنبش کثیف اسلامی است. تنها در ایران، حکومت اسلامی بیش از

صدهزار نفر را بجرم مخالفت با این حکومت قتل عام کرده است و صدها مخالف سیاسی را در چهارگوشه دنیا ترور کرده است. همین چند هفته قبل این جنبش صدها کودک معصوم در بسلان را قتل عام کرد. اسلام سیاسی فاشیسم دوران معاصر است و باید با نیروی مردم متمدن و آزادیخواه از میدان بدر شود تا بشریت از شر آن رها شود. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به تشدید مبارزه علیه اسلام سیاسی و دولتهای جنایتکار اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران واحد هلند

۲ نوامبر ۲۰۰۴

از صفحه ۱

ستون اول

تفاوت داشتند. احزابی مثل حزب کارگر انگلستان و حزب دمکرات آمریکا، نماینده درجه معینی از حفظ دخالت دولت در اقتصاد بودند تا از انفجار اجتماعی ناشی از شکاف بزرگ میان دو طبقه اصلی جامعه جلوگیری کند. همین سطح تفاوت هم امروز دیگر به تاریخ گذشته تعلق دارد. حزب کارگر انگلستان، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی میراث دار مارگارت تاچر شده است و حزب دمکرات آمریکا میراث دار ریگان. بی دلیل نیست تونی بلیر به پادوی سیاسی میلیتاریسم نظم نوینی آمریکا تبدیل شده است. انتخابات آمریکا، همیشگی صحنه خیره کننده ای از فریب سیاسی بوده است. در جهان بعد از جنگ سرد، در جهان تقابل تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلام

نمیداد که سیاستهای اساسی در آمریکا توسط محافظ بسیار قدرتمندی تعیین میشوند که به طور کامل تحت تسلط قدرتمندترین و بانفوذترین صاحبان سرمایه هستند. جرج بوش یا جان کری مهره های سیاسی سرمایه داری آمریکا هستند. نقش و وظیفه شان مشابه است: در سیاست داخلی سازماندهی بهره کشی از کارگران و در سیاست بین المللی به پایان رساندن پروژه نظم نوین جهانی، تامین جایگاه آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت پایان جهان دوقطبی. این تشابه را جان کری در جریان رقابت انتخاباتی به خوبی نشان میداد. انتقادش به جرج بوش این بود که قادر نشده است ائتلاف بزرگی برای تهاجم نظامی به عراق شکل دهد! کشورهایی را که در جنگ شرکت نکرده اند را به خوبی تنبیه نکرده است! به خوبی مانع شریک شدنشان در بازسازی عراق (یعنی بهره کشی

از کارگران عراق) نشده است! در آمریکا، کارگران و اقشار محروم جامعه در حزب سیاسی ای که منفعت اقتصادی و سیاسییشان را نمایندگی کند وجود ندارد. طبقه کارگر در کل این سیستم به هیچ معنایی نمایندگی نمیشود. در دمکراسی آمریکا، مثل همه دمکراسی های جهان سرمایه داری، کارگر در بهترین حالت به عنوان يك فرد، ناگزیر از انتخاب فردی از احزاب طبقه حاکم است. "آزاد" است هر چهار سال یکبار اسم یکی از نمایندگان احزاب مدافع سرمایه داری را روی ورقه رایش بنویسد و در صندوق بیاندازد و به محیط کارش برگردد و تا چهار سال دیگر حق هیچگونه دخالت در تعیین سیاستها نداشته باشد. این تمام "حقوق سیاسی" کارگر برای "دخالت" در سرنوشت سیاسی اش است. کارگر فقط و فقط يك رای است برای جابجایی احزابی که

منافع طبقه ای دیگر را نمایندگی میکنند. منافع طبقه سرمایه دار که در عرصه اقتصاد حاکم است. دمکراسی آمریکا، پوششی برای بیحقوق نگه داشتن طبقه کارگر است. ۹۰ سال پیش، جو هیل، ترانه سرای محبوب کارگران، پیش از به خاک افتادن توسط جوخه آتش دموکراسی آمریکا فریاد زد: "عزای نگیرید متشکل شوید!" کارگران آمریکا بیش از هر زمان دیگر نیاز دارند به این ندای هشیارانانه ترانه سرایشان جواب بدهند. در حزب سیاسی خودشان متشکل شوند. به عنوان نیروی رهاییبخش کارگران و مردم آمریکا از نظام سرمایه داری به میدان بیایند. به نمایش فریب و ارباب دوره ای دمکراسی سرمایه داری خاتمه دهند. دخالت واقعی طبقات فرودست جامعه برای اداره جامعه را تامین کنند. *

جهانشمولی حقوق انسان و زنان، علیه تر راسیستی و ارتجاعی نسبییت فرهنگی و در دفاع از آزادی و برابری در سطح بین المللی شناخته شده است. تاکنون هم خود من و هم دوستان دیگر به کنفرانس های بسیاری دعوت شده ایم. در برنامه های تلویزیونی و رادیویی شرکت داشته ایم و در رسانه های بین المللی حضور داشته ایم. موضع صریح و روش و سازش ناپذیر ما در قبال اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم و لزوم مذهب زدائی در جامعه کاملاً منحصر بفرده است. بخصوص در چند سال اخیر، بدنیاال واقعه دهشتناک ۱۱ سپتامبر، مساله اسلام سیاسی و تروریسم به يك بحث دائمی در دنیای غرب بدل شده است. موضع اصولی و روشن و آزادیخواهانه ما در قبال اسلام سیاسی، جنبش ما را در کانون این مباحث داغ قرار داده است.

به جرئت می توان گفت که ما پرچم دفاع از سکولاریسم و علیه اسلام سیاسی را هم اکنون در غرب نیز برافراشته ایم. و این واقعیت را دیگر نمی توان انکار کرد. از کانادا تا فرانسه، از انگلستان تا اسکانديناوی از ایران تا اروپا این جنبش ماست که در پیشاپیش يك حرکت آزادیبخش، در دفاع از برابری انسان و آزادی زن، در دفاع از سکولاریسم قرار گرفته است. برخورد ما به کمیته صلح نوبل در سال گذشته که در هماهنگی با اتحادیه اروپا تلاش کرد يك جنبش اسلامی باصطلاح میانه رو را علم کند و بنوعی برای اسلام سیاسی که پس از ۱۱ سپتامبر ایزوله شده بود جایی در معادلات سیاسی بین المللی و منطقه باز کند، توجه بسیاری را بخود جلب کرد. تظاهرات ما در اسلو در بسیاری از رسانه های بین المللی بشکل بی سابقه ای منعکس شد. بطور مشخص بی بی سی در فیلمی که درباره شیرین عبادی ساخته بود، بخشی از تظاهرات ما را منعکس و با ما مصاحبه کرد. این فیلم از طریق رسانه های مختلفی پخش شد. اینترنشنال هرالد تریبون در گزارشی پیرامون جایزه نوبل بخشی از مصاحبه با من و شیرین عبادی را بعنوان دو دیدگاه مختلف در کنار هم چاپ کرد.

در دفاع از قانون اخیری که در فرانسه بتصویب رسیده است، در ممنوعیت حمل و پوشیدن علائم

مذهبی در مدارس و ادارات دولتی، ما اقداماتی انجام دادیم و در مقابل اسلامیسیت ها ایستادیم. من در فوریه گذشته نیز به فرانسه دعوت شدم تا در يك میتینگ عمومی که با حضور سازمان های مختلف سکولار فرانسوی و مقامات دولتی برگزار شد، سخنرانی کنم. این سخنرانی با استقبال بسیار گرمی روبرو شد.

این شمه بسیار کوچکی از فعالیت های ما است. ارائه آن برای توصیف و بیان جایگاهی که جنبش ما در بستر اصلی مبارزه بر سر سکولاریسم و حقوق انسان و حقوق زنان اشغال کرده، لازم است. ما تاکنون در اسکانديناوی، کانادا و انگلستان حضور چشمگیری داشته ایم ولی فرانسه میتوان گفت برای ما مکان بکری است. اینکه ما توانسته ایم به فرانسه و به درون جنبش سکولاریستی در فرانسه که مهمترین و رادیکالترین در غرب است راه پیدا کنیم، جای خوشحالی بسیار دارد.

انترناسیونال: آیا این کنفرانس فقط يك تجمع آکادمیک بود یا اهداف سیاسی ای را دنبال میکرد؟ اگر اهداف سیاسی داشت چه اهدافی را در مقابل خود قرار داده بود؟

آذر ماجدی: هم آکادمیک بود و هم سیاسی. سخنرانان از دیدگاه های مختلفی نقد خود را به اسلام و اسلام سیاسی بیان میکردند. بعضی تحقیقات تاریخی ارائه دادند، بعضی قرآن و اسلام را بعنوان يك دیدگاه و ایدئولوژی نقد کردند و تعدادی نیز بر جنبش اسلامی متمرکز شدند. باین معنا جالب بود. خود کنفرانس قطعنامه ای ارائه نداد و به يك جمعیتی مشخص نرسید. این اولین کنفرانسی بود که توسط این سازمان و خانم سمیا لایبیدی سازمان یافت و باین معنا نیز شاید بتوان گفت آنچه از نظر سیاسی و یا افق آینده هدفمند نبود. ولی تلاشی بسیار مثبت و با ارزش بود. ۲۰۰ نفر در این کنفرانس شرکت داشتند و با علاقه بسیار مباحث را دنبال میکردند. در بیرون سالن و در راهروها قرار های تماس های آتی و کار مشترک گذاشته می شد. خود من با چندین سازمان قرار تماس های منظم و جدی برای کار مشترک گذاشتم. همه از این کنفرانس راضی رفتند. امید به وجود يك جنبش بین المللی در دفاع از سکولاریسم، حقوق

انسان و آزادی زن، در تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم در جمع چشم می خورد. بنظر من اینها دستاوردهای مهم این کنفرانس بود.

انترناسیونال: این کنفرانس عنوان جالبی دارد: اسلام علیه اسلام! این تم از نظر سازمان دهندگان کنفرانس چه چیزی را قرار بود تداعی کند؟ آیا منظور این است که اسلام دو چهره و دو مضمون دارد؟ مثلاً اسلام مترقی و مدرن و میانه رو در مقابل اسلام ارتجاعی و افراطی؟

آذر ماجدی: من وقت نشد که با خود سمیا لایبیدی در این زمینه گفتگو کنم. فقط میتوانم تعبیر خودم را بگویم، همان تعبیری که در سخنرانی ام هم به آن اشاره کردم. فکر می کنم يك منظور این بود که کسانی که بنوعی اصل و نسبشان به اسلام مربوط میشود اسلام را نقد می کردند. حالا یا هنوز خود را مسلمان می دانند و یا در جامعه و خانواده مسلمان بدنیا آمده اند و زندگی می کنند. باین معنا این تم جالب بود و طنزی را بیان می کرد. من در همان اول سخنرانی ام به این مساله اشاره کردم و گفتم که يك آته نیست هستم ولی از اسلام و جنبش اسلامی تجریه دست اول دارم. اینکه از همان کودکی تقابل و تضاد عمیق میان اسلام و آته تبیس را تجربه و لمس کردم. چراکه مادرم مذهبی و پدرم آته تبیس بود. يك مساله دیگر همان نکته ای است که شما در سؤالتان به آن اشاره کردید. اینکه اسلام دو چهره دارد و میتوان آنرا اصلاح کرد. افراط آنرا هرس کرد و يك جنبش معتدل تری از آن ساخت. من به این نکته هم اشاره کردم و اعلام کردم که اسلام سیاسی قابل اصلاح نیست. و به تجربه مشخص ایران و جمهوری اسلامی اشاره کردم. ولی برخی از سخنرانان از همین موضع وجود دو نوع اسلام سخنرانی کردند. و اسلام افراطی را نقد کردند.

انترناسیونال: مضمون سخنرانی خود شما چی بود؟ لطفاً محورهای اصلی سخنرانیتان را با خوانندگان انترناسیونال در میان بگذارید.

آذر ماجدی: تیتیر سخنرانی من سکولاریسم و اسلام سیاسی بود. من نقد خودم را از اسلام سیاسی بعنوان يك جنبش ارتجاعی و ضد انسانی و زن ستیز اعلام کردم. گفتم که جنبش اسلامی باید به حاشیه جامعه رانده شود. اعلام کردم که اسلام سیاسی تهدیدی است علیه بشریت و لازم و

مبرم است که يك جبهه متحد و قوی بین المللی علیه اسلام سیاسی شکل بگیرد. اصولی که می توان بر مبنای آن این جبهه را شکل داد به این ترتیب اعلام کردم: سکولاریسم، جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش و مذهب زدائی از جامعه؛ آزادی بی قید و شرط بیان و نقد؛ جهانشمولی حقوق انسان و حقوق زن و برابری کامل زن و مرد؛ ممنوعیت حجاب کودک؛ و ممنوعیت مدارس مذهبی. این خلاصه سخنرانی من بود که با استقبال گرمی روبرو شد.

انترناسیونال: این کنفرانس از لحاظ سیاسی چه دستاوردی داشت؟

آذر ماجدی: همانطور که در سوال بالا اشاره کردم دستاورد سیاسی کنفرانس عام بود. تجمع عده ای که عموماً نقد عمیق و رادیکالی به اسلام و جنبش اسلامیسیتی ارائه دادند. هم نظری ای که در میان حاضرین در کنفرانس وجود داشت و تماس هایی که برای کار مشترک و تبادل نظر گرفته شد. و بالاخره طرح این بحث از طرف چندین سخنران که اسلام سیاسی را تهدیدی علیه بشریت خواندند، حائز اهمیت زیادی است. حتی یکی از سخنرانان که اهل پاکستان است و علیه جانش فتوا صادر شده است، اسلام را جنایت علیه بشریت نامید.

اما ما دستاورد دیگری داشتیم که اگرچه مستقیماً حاصل این کنفرانس نبود و حاصل فعالیت های دراز مدت و تلاش های پیگیر ما بود ولی عملاً در این کنفرانس مادیت یافت. در پایان این کنفرانس چند تن از سخنرانان با هم جمع شدیم و بر تشکیل سازمانی علیه اسلام سیاسی به توافقات مشترکی رسیدیم. بر برنامه کار آتی مان توافق کردیم و چندین کنفرانس و تشکیل يك وب سایت بین المللی را طرح ریزی کردیم. این سازمان بزودی وقتی که بر روی سند اعلام موجودیت آن کاملاً توافق کردیم رسماً اعلام خواهد شد. این يك دستاورد مهم است. و برای خود من بسیار جالب بود که در سخنرانی ام بر لزوم تشکیل چنین سازمانی تاکید و تمرکز کردم و همان روز و همان جا توانستیم این مساله را مادیت ببخشیم.

انترناسیونال: ارزیابی عمومیتان از این کنفرانس چیست؟

آذر ماجدی: کنفرانس خوبی بود. اطلاعات بسیاری مطرح شد.

نزدیکی ها و آشنایی های مفید و خوبی شکل گرفت. برای خود من بسیار مفید بود. و فکر می کنم تاثیرات آنرا سریعاً بر پیشرفت کارمان خواهیم دید. فرانسه بستر اصلی جنبش سکولاریستی در غرب است. انقلاب فرانسه يك تاریخ و سنت عظیم سکولاریستی در فرانسه ایجاد کرده است. سازمان های بسیاری در دفاع از سکولاریسم و در نقد اسلام، اسلام سیاسی و یا جنبش اسلامی بطور کلی در فرانسه وجود دارد که تشکیل دهندگان آنها شهروندان فرانسوی ای هستند که اصل و نسبشان به سه کشور تونس، مراکش و الجزایر برمی گردد. این منطقه نیز بسیار مهم است. تماس و ارتباط منظم و فعالیت مشترک با این سازمان ها جایگاه مهمی در مبارزه عمومی ما علیه اسلام سیاسی و در دفاع از آزادی و برابری دارد. از تمام این جهات این کنفرانس نقش مهمی داشت و بنظر من شروع يك سلسله کارهایی از این دست بود. برای خود من بسیار آموزنده بود و امید بخش بود.

انترناسیونال: اجازه بدهید سؤالم را با خبر ترور ون گوگ، فیلساز اهل هلند بدست جریانات اسلامی تمام کنم که يك نمونه دیگر از توحش جریانات اسلامی و تعرضشان به آزادی نقد مذهب است. این فیلساز به جرم نمایش جنایات اسلام علیه زنان در آخرین فیلمش از طرف مدافعین اسلام کشته شده است. هدف سازماندهی چنین ترورهایی چیست؟ در مقابل راه انداختن ارباب منتقدین اسلام توسط جریانات اسلامی چه باید کرد؟

آذر ماجدی: این ترور واقعا متاثر کننده است. تنو ون گوگ باین خاطر که جرئت و جسارت داشت که ماهیت زن ستیز و ضد انسانی اسلام را افشاء کند، باین خاطر که آنقدر انسان و آزادیخواه بود که این جنایات را ببیند و با توسل به نسبییت فرهنگی چشم بر آنها نبندد، توسط اسلام سیاسی بقتل رسید. باید با تمام قوا این جنایت و مسبب آن اسلام سیاسی را محکوم کرد. اسلام سیاسی يك جنبش ارتجاعی و ضد انسانی است که با توسل به ترور و ارباب تلاش میکند هژمونی خود را بر جامعه تثبیت کند و در قدرت سهیم شود. سه دهه است که ما شاهد این سیاست و روش هستیم. ما خود قربانیان دست اول این جنش و



سالروز انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی بداریم

در مراسم سالروز
انقلاب اکتبر در آلمان
و سوئد و کانادا
شرکت کنید

محرومیت خویش ببرند، از اکتبر می آموزند و اکتبر سوسیالیستی را گرامی میدارند.

در سالروز انقلاب اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران مراسم ویژه ای را در چندین شهر در کشورهای سوئد، کانادا و آلمان در هفته های آینده برگزار میکند و در این مراسم رهبران حزب از تجربه انقلاب اکتبر و رسالت و نقش و تاثیرات واقعی آن و درسهای این انقلاب برای انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، سخن خواهند گفت. زمان و محل این مراسم در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهد رسید. ما همه مردم را به شرکت در این مراسم فرا میخوانیم

زنده باد انقلاب اکتبر
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

**تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران**
۲۵ اکتبر ۲۰۰۴ - ۴ آبان ۱۳۸۳

انقلاب اکتبر آزادی بی قید و شرط سیاسی را قانون اساسی جامعه اعلام کرد. انقلاب اکتبر حقوق کاملاً برابر زن و مرد را بلافاصله به اجرا گذارد. انقلاب اکتبر حق تعیین سرنوشت را حق همه ملتها اعلام کرد. انقلاب اکتبر لغو بردگی مزدی کارگران را هدف فوری خود اعلام کرد. اکتبر به آزادی آنچنان معنای وسیع و اجتماعی ای داد که تا آن زمان در هیچ کجای جهان سابقه نداشت. خصومت و دشمنی بی حد و حصر سرمایه جهانی با بلشویسم و کمونیسم و انقلاب اکتبر دقیقاً در همین خصوصیات رهایی بخشش ریشه دارد.

بورژوازی بین المللی، سرمایه داری دولتی حاکم بر بلوک شرق را که با شکست انقلاب در شوروی برپا شده بود، کمونیسم قلمداد کرد تا همین جوهر و خصلت آزادی بخشی همه جانبه و انسانی انقلاب سوسیالیستی اکتبر را از انظار پنهان دارد. کارگران جهان اما هر جا که عزم کنند دست به ریشه ستم و

هشتاد و هفت سال پیش انقلاب سوسیالیستی اکتبر پایه گذاری اولین جامعه سوسیالیستی جهان را اعلام کرد. انقلاب اکتبر از همان آغاز یوغ ستم و بهره کشی و اختناق نظام سرمایه داری و بقایای فئودالیسم را از دوش میلیونها کارگر و مردم زحمتکش و ملت‌های تحت ستم بدر افکند و پایه گذاری یک دنیای انسانی را با وسیعترین آزادیها و رفاه و برابری بشارت داد. پژواک انقلاب اکتبر با دادن اختیار مستقیم جامعه به دست شوراهای کارگران و مردم محروم، کل اردوی سرمایه را به وحشت مرگ افکند. این انقلاب امید رهایی از نکتب و محرومیت و بی اختیاری موجود را در میان همه کارگران و مردم جهان زنده کرد.

اکتبر با اعلام آزادیهای اجتماعی و سیاسی وسیع و بی سابقه اش بود که بورژوازی را به وحشت انداخت. اکتبر با دادن اختیار به محرومان جامعه، پایان عمر بردگی مزدی را اعلام کرد.

مراسم سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر و گفت و شنود با رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانان:

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
کاظم نیکخواه، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
ستار چیم تو، از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری چپ عراق
سیاوش مدرسی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
زمان: شنبه ۶ نوامبر، ساعت ۴ بعد از ظهر
مکان: فرانکفورت، دانشگاه فرانکفورت
(Bockenheimerwarte)

مقابل ساختمان آستا (Asta 2) در U-Bahn 4 به طرف Bockenheimerwarte

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
حزب کمونیست کارگری چپ عراق

تلفن تماس:

۰۱۷۲۹۷۱۶۲۲۱ - شهنواز مرتب
۰۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳ - نازنین برومند

گرامی داشت انقلاب اکتبر

سخنران:

اصغر کریمی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

گوتنبرگ: شنبه ۶ نوامبر، ساعت ۱۹

آدرس: Framtids Huset
Angpannegatan 9 A/Hisingen
Spar: 5 & 6 - Backaplan
ایستگاه

پخش مستقیم سخنرانی از شبکه پالتاک:

گروه: By language Nationality Others
اتاق: Iran Azadi & Barabari

غذا، نوشیدنی و موزیک شاد

حزب کمونیست کارگری ایران - واحد سوئد، گوتنبرگ

تلفن تماس: سوسن صابری ۰۷۳ ۶۲۹۰۱۶۴

اطلاعیه در مورد مشاورین کمیته مرکزی حزب

بدینوسیله به اطلاع کادرهای حزب میرسانیم که کمیته مرکزی حزب تعداد مشاورین کمیته مرکزی را ۴۵ نفر تعیین کرده است. کادرهای حزب که مایلند عضو مشاور کمیته مرکزی حزب بشوند تقاضای خود را حداکثر تا ۱۵ نوامبر به اطلاع دفتر مرکزی حزب برسانند.

آدرس دفتر مرکزی حزب:

markazi@ukonline.co.uk
0044-777 989 89 68

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

سوسیالیسم
برای رفع تبعیض!

با تروریسم این جنبش تا چه حد پوچ بوده است و چگونه عملاً تروریسم را از هر دو سو دامن زده و تشدید کرده است. ما باید آن نیروی سومی را که منصور حکمت در رساله خود درباره ۱۱ سپتامبر به آن پرداخت، گرد آوریم، متحد کنیم و به حرکت درآوریم. بنظر داریم در آن جهت قدم بر می داریم. کمی کند است ولی داریم پیشروی می کنیم. امیدوارم که تلاش های اخیرمان سریعاً نتیجه دهد و یک قدم مهم بجلو برویم و یک سنگر مهم علیه اسلام سیاسی و دولت آمریکا و متحدینش در مبارزه تروریسم آن فتح کنیم. *

روشهای جنایتکارانه آن هستیم. خفه کردن صدای نقد و اعتراض تنها سلاح این جنبش است. ترور تئو ونگ گوگ هم با همین هدف صورت گرفته است. محکم کردن صفوف مبارزه علیه اسلام سیاسی، متحد کردن جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بین المللی تحت این پرچم تنها راه مبارزه اصولی و شریخش با اسلام سیاسی است. بخصوص در سه سال اخیر شاهد بوده ایم که ادعاهای دولت آمریکا و متحدینش در مبارزه

۱۶ آذر: روز بزرگ آزادی و برابری!

۱۶ آذر روز همه ماست

در این روز وسیعا به خیابانها بیاییم



شهلا دانشفر

کارگران، معلمان، پرستاران، و همه بخش های جامعه را فراخوانیم و در مقابل دانشگاهها تجمع کنیم و ۱۶ آذر را گرامی بداریم. شعار آزادی برابری شعار همه مردم است، ۱۶ آذر پرچم های سرخ آزادی و برابری را برافراشته کنیم و حول آن متحد شویم. به خیابانها بیاییم و همه جا بر در و دیوار بنویسیم: زنده باد آزادی زنده باد برابری. با قطعنامه های اعتراضی خود و با نه گفتن به حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و با خواست آزادی زندانیان سیاسی به خیابانها بیاییم، در این روز حجابها را برداریم و با انواع و اقسام ابتکارات خود در تمام شهر و در محلات اعتراض وسیع مان را ادامه دهیم.

۱۶ آذر روز همبستگی مبارزاتی همه بخش های جامعه از اعتراضات یکدیگر است. از خواسته های دانشجویان، کارگران، معلمان و پرستاران و همه بخش های جامعه حمایت کنیم. امروز که کارگران نساجی سنندج بخاطر اخراجشان از کار دست به تحصن زده اند و نیروهای سرکوبگر رژیم آنها را در محاصره خود قرار داده اند، امروز که کارگران قراردادی مورد تهاجم رژیم قرار گرفته و طرح خروج آنها از مشمولیت قانون کار داده شده و بردگی ای مطلق در انتظار آنهاست و امروز که اعتراض وسیع مردم، رژیم اسلامی را مجبور کرده از حکم سنگسار اولیه ژیلای ایزدی عقب نشیند اما این کودک و برادرش بختیار همچنان به حبس تعزیری و شلاق محکوم هستند، باید يك بند مهم قطعنامه های ما حمایت از آنها باشد.

در ۱۶ آذر تراکتهای حزب را وسیعا پخش کنیم و با کوبیدن آرم حزب در همه جا و بر در و دیوار در خیابانها حضور وسیع خود را به نمایش بگذاریم. به استقبال ۱۶ آذر برویم. *

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ آبان ۱۳۸۳ - ۳ نوامبر ۲۰۰۴

بلند بگوئیم که تمام امکانات کشور هر چه سریعتر در خدمت رفاه و آسایش مردم بکار گرفته شود! باید سرمایه داری و رژیمش بعنوان عامل سیه روزی مردم معرفی شود!

از همین امروز شهر را برای گرفتن يك ۱۶ آذر باشکوه خبر کنید! در و دیوار خیابانهای شهر باید از آمدن ۱۶ آذر خبر دهد. دوست، همسایه و هم دانشگاهی را خبر کنید و ابتکارات تان را بکار اندازید تا ۱۶ آذری داشت که مشت محکمی به پوزه دشمنان مردم باشد. فراموش نکنید که این ما هستیم که تاریخ را می سازیم. این ما هستیم که به قدرت مبارزه و اعتراض متحد خود، عامل پیروزی بر صف دشمنان رنگارنگ خواهیم بود. این نیرو را در ۱۶ آذر هر چه قوی تر به میدان آورید!

حزب کمونیست کارگری ایران سازمان جوانان کمونیست

۳۱ اکتبر ۲۰۰۴، ۱۰ آبان ۱۳۸۳

خواهان انحلال فوری کمیته های انضباطی و لغو فوری احکام این کمیته ها شویم. باید بخواهیم که دانشجویان اخراجی و تعلیقی همه به دانشگاه برگردند و دستگیرشدگان و کلیه زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. باید بگوئیم که دانشگاه مرکز علم و دانش است و بساط حراست و کنترل پلیسی دانشجویان باید از سطح دانشگاهها جaro شود.

۱۶ آذر باید جلوه درخشانی از اعلام همبستگی بخشهای مختلف مردم از یکدیگر باشد. باید همه را به شرکت در اجتماعات این روز تشویق کرد. کارگر، پرستار، معلم، دانش آموز، زن و مرد و پیر و جوان باید جمعاً ۱۶ آذر را مال خود بدانند. باید شعارهایی در حمایت از مبارزات کارگران، معلمان و پرستاران در دست داشته باشیم. باید بر پلاکاردها نوشته شود که جنبش دانشجویی از مبارزات کارگران، معلمان و پرستاران و مطالبات بحق آنها حمایت می کند! باید با صدای

دانشجویان، دختران و پسران، زنان و مردان آزادخواه!

شما را فرا می خوانیم که اجتماعات بزرگ و با شکوه ۱۶ آذر را در دانشگاهها و اطراف دانشگاهها برپا دارید. وعده ملاقات همه ما دانشگاه است.

همچون سال گذشته شعار آزادی و برابری را به شعار مهم این جمعاعات تبدیل کنید! باید بخواهیم که رژیم به افزایش سختگیری هایش در رابطه با حجاب اسلامی در دانشگاهها و بیرون دانشگاهها پایان دهد. باید دختر و پسر دست در دست، دستها را هوا کنیم و بگوئیم که جداسازی دختران و پسران باید خاتمه یابد. باید بخواهیم که وضعیت غذا و خوابگاهها هر چه سریعتر سر و سامان یابد و رفاه دانشجویان تامین شود. باید بر پلاکاردی بزرگ بنویسیم "پیش بسوی تشکیل مجامع عمومی دانشجویی" تا ظرف سازمانیابی مبارزات دانشجویی را همه جا درست کنیم. باید با صدایی بلند

کارگران نساجی سنندج به تحصن خود پایان دادند

امضای طومارهایی پشتیبانی خود را از تحصن کارگران اعلام کردند. مردم شهرهای سقز و برخی شهرهای دیگر نیز با امضای طومارهایی پشتیبانی خود را از خواسته های کارگران اعلام کردند.

این اعتصاب و تحصن فضایی از همبستگی و اتحاد را در میان کارگران و مردم بوجود آورد و همچنان جو اعتراضی در سنندج تحت تاثیر این مبارزه کارگران قرار دارد. گرچه مدیریت در پرداخت خسارت بیکاری تاحدی عقب نشست اما اخراج یا بازخرید ۷۶ تن از کارگران که زیر فشار محاصره نظامی و تهدید به کارگران تحمیل شد مورد اعتراض همه کارگران است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به همه کارگران نساجی کردستان و همه کارگران و مردمی که در این مبارزه فعالانه از کارگران حمایت کردند درود میفرستد. اتحاد پرشوری که در این مبارزه به نمایش در آمد ضامن پیروزیها و پیشرویهای بزرگتر ما علیه حکومت منفور اسلامی و سرمایه داران است و باید

نیز تعهد نمود. بعد از این مذاکرات و با شدت یافتن فشار و تهدید علیه کارگران که در محاصره نظامی قرار داشتند، کارگران اعتصابی تصمیم گرفتند فعلاً به تحصن خود خاتمه دهند. لازم به توضیح است که روز قبل یعنی سه شنبه ۱۲ آبان وزارت کشور جمهوری اسلامی از استاندار و مقامات رژیم خواست که هر کاری بکنند تا این اعتصاب پایان پذیرد. در استانداری کردستان جلسه ای اضطراری با حضور مدیریت کارخانه و معاون امنیتی استاندار و دیگر مقامات رژیم برگزار گردید. وزارت کشور از استاندار و مقامات انتظامی و مدیریت کارخانه خواست که "غائله" سنندج را خاتمه دهند.

شهر سنندج همچنان تحت تاثیر فضای اعتراضی قرار دارد. طی پنج روز تحصن و اعتصاب، کارگران چندین کارخانه از جمله کارگران کارخانه شاهو، نساجی پیروز، شرکت آئومین، کارخانه شیر پاستوریزه، ریسندگی پرریس، خبازی، شرکت پلاستیک کار و همچنین دانشجویان دانشگاه کردستان، آزاد و نور با

امروز چهارشنبه ساعت یک بعد از ظهر اعتصاب و تحصن کارگران پایان یافت. کارگران بخشی از مطالبات خود را به کارفرما و دولت تحمیل کردند. بر اساس گزارشهایی که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده امروز در يك جو پلیسی نمایندگان کارگران با شخصی بنام افشاری از طرف مدیریت کارخانه نساجی با حضور سروان دوستی از نیروی انتظامی به مذاکره پرداختند. سروان دوستی از شروع تحصن تا کنون در محل کارخانه همراه شمار زیادی از نیروهای نظامی حضور داشته است. در جریان مذاکرات سروان دوستی اطلاعیه ما را در دست گرفته و شروع به فحاشی نمود و کارگران را تهدید به شدت عمل کرد. با پافشاری کارگران بر خواسته های خود مدیریت کارخانه که قبلاً پرداخت سه ماه حقوق به ازاء هر سال سابقه کار را مطرح کرده بود این بار بازخرید ۷۶ تن از کارگران بر اساس پرداخت چهار ماه و نیم حقوق در ازاء هر سال را طرح کرد و بعلاوه پرداخت حق اولاد و حق شیفت و مسکن برای کارگران را